مترجم: Lan Neji

ادیتور: Evan & Sg~

IRISEKAI
T.me/IriSekai
instagram.com/IrisSekai

아빠, 나 이 결혼 안 할래요!

만화 · Roal 각색 · 유리
채색 · Candlebambi
원작 · 홍희수

15

چچوری
اینقدر سریعه؟

چند لحظه
پیش که رو
میل بود..

به نظرت به چه
کسه دیگه ای میتونم
دکمه هارو بدم؟

خودت خوب
میشناسیش.

مردم میگن بانو
فلوین واقعا عاشق
لرد میکائیله.

جوری که حتی شهرتشم
براش مهم نیست و هرجا
که میره دنبالش میکنه.

یئی این دختره ی
ابله بازم میخواد
آویزونش بشه؟

چقدر ناامید
کننده..

بخاطر خودت
همچین حرفایی زدم
اونوقت هنوزم داری
طرفشو میگیری؟

باورم نمیشه
به همچین مرد بی
تفاوتی چسبیدی.

تابلوعه که یه
ذره غرورم نداری..

Iris Sekai
T.me/
IrisSekai

اوه...

من بهش نچسبیدم..

فقط میخوام اینو بش بدم که راحت تر باهمدیگه کنار بیایم.

꽈아아...

چون اون بابامه!!

...

الان داشتی
راجب بابات دوک
فلوین میحرفیدی؟
؟
چی داری
میگی؟
غیر ازون
میتونم راجب
کی بحرفم؟

사삭
ه..

پس
اینجوری بود.

کاش بدن: این حجم از توتونت
مراکشت امیکاس خیر نبید
اس جن: میتو هارت انلکت*

*لبخند زدن

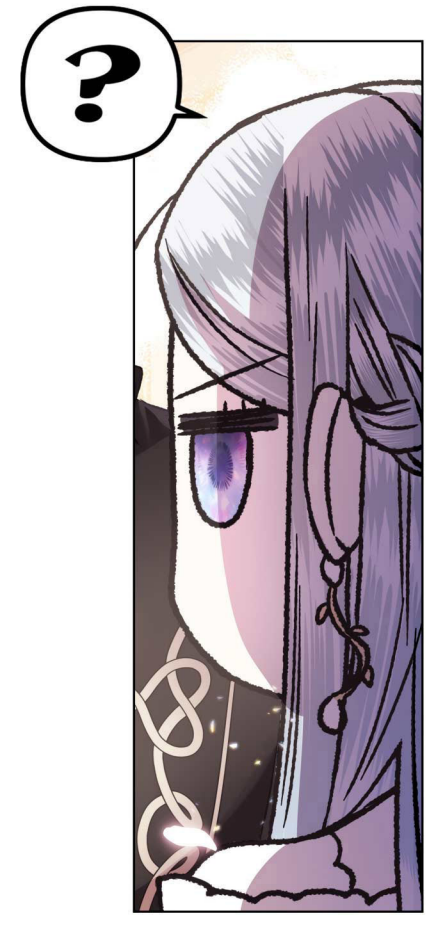

خیلی ببخشیدا
اگه خندیدنتون تمام
شد لطف میکنید یه
چیزی بگید؟!

گفتی میخوای
بهش دکمه ی
سراستین بدی؟

اره
ایناهاش.

Iris Sekai
T.me/ IrisSekai

به نظرم
که براش بی
مصرفه!

هوییییی!!!

ولی انگار کارت
تو انتخاب کردن
هدیه خوبه؟

همین یکم پیش به بابام کادو دادم

کلان نجوم: این قیافه‌ی ساده‌ی عطش منو به گور زنده میکنه
اس جی: ی مشت گور فن جمع شدیم دور هم تشکیل تیم دادیم

تازگیا خیلی حوصله اش سر رفته بود.

ولی خوشحالم که بخاطر من شورو نشاطشو تو چند سال آخره عمرش به دست آورد.

نمیخواد
بدونی.

هرچی به دوک
فلوین بدی حتما
خوشحالش میکنه..

*چه چرتی داره میگه

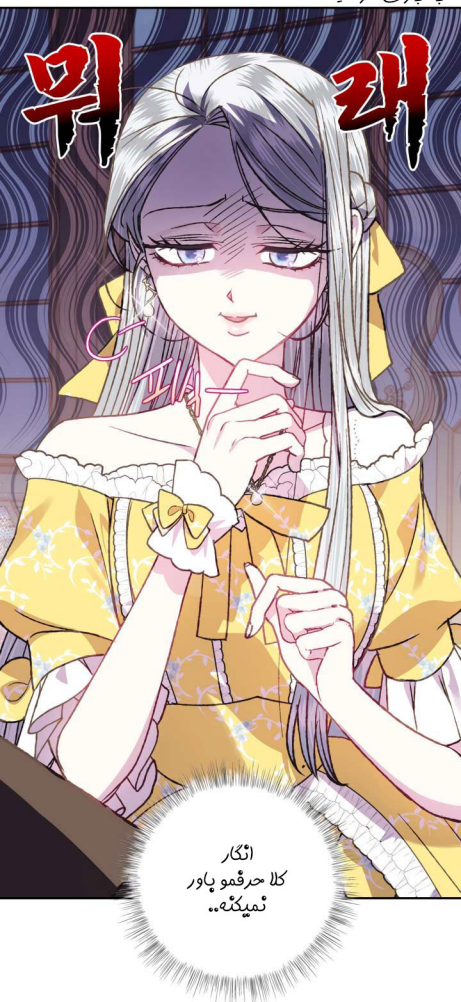

اگه اینقدر
راحت بود که از
تو نمیپرسیدم..
하아
?

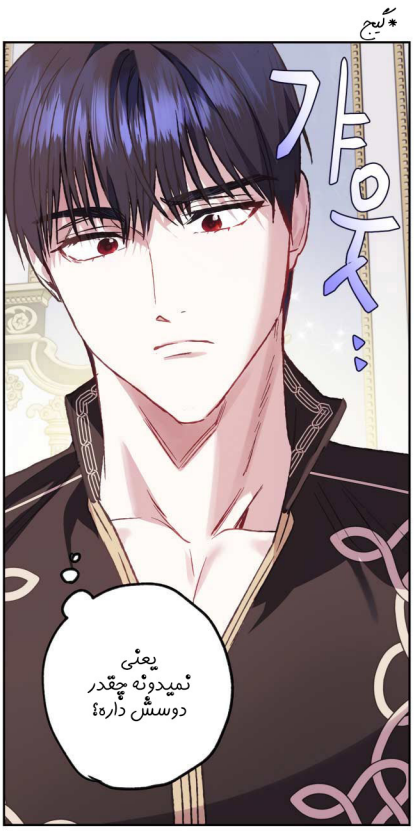
*گیج
가우스
یعنی
نمیدونه چقدر
دوسش داره؟

*نراحت
침울
بزار همینو
بهش بدم..

ها؟!

اون داره خودشو
بخاطر دخترش قربانی
میکنه..

اونوقت دخترش
حتی ازین قضیه
خبرم نداره؟

Iris
Sekai
T.me/
IrisSekai

چقدر مسخره.

این چیزیه
که تو میخوای؟

خیلی مسخرس،
استاد.

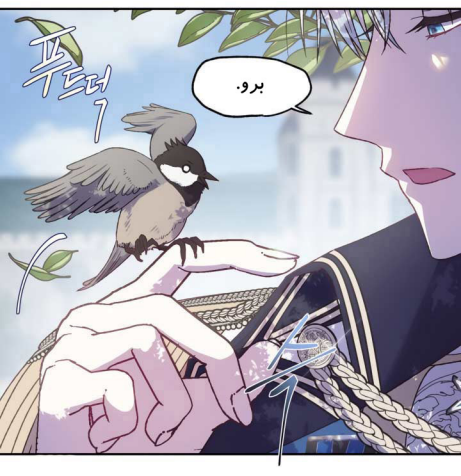
برو.
푸드덕

نه.
잭..
살랑..
دخترم از حیوونای کوچیک میترسه.

دوک.
두리번
두리번

چیه؟
힐끗
یه سری خبر جدید دارم.

이게 뭐야!!!
!!!
퍽
퍽
퍽

اینطور نیستش...

خانوم..

انگار ازونجایی که خونه نیستید دل نگرونه...

اون بچه داره دنبال من میگرده؟

Iris Sekai
t.me/IrisSekai

بابایی.. دلم برات تنگ شده..

هیچوقت تاحالا همچین حرفی نزده بود..

کلان نجی: قلبم پاره شد یکی بیاد بدورتش مرسی اه

움찔...
چوول..

ㅏ/ㅗ의ㅎㅓ

싱긋

사라락...
!
دوک داره لبخند میزنه.

درضمن، حال خانوم این روزا زیاد خوب نیست برای همینم از اتاقش بیرون نیومده.

انگار خیلی ناراحته..

چوول...

درسته، دیگه بسه..

پاخ...

دیگه باید این بازی احمقانه ی مکسو تمومش کنم..

باید همین الان..
شاهو ببینم..

از شما برای خوندن کامون
ممنونیم لطفا کپی نکنین و
بدون ذکر منبع کار مارو جایی نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تکراممون از ما حمایت کنین و کارهای
جذاب دیگمون رو هم بخونین.